

نشانه‌شناسی و نمادشناسی شخصیت شهید سلیمانی

ندا رفیعی طاری*

محیا عبدیان**

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی ابعاد شخصیتی و رفتاری حاج قاسم سلیمانی با توجه به شاخص‌های فرماندهی و شناسایی ابعاد وجودی‌شان از طریق سیمای جمهوری اسلامی از منظر صاحب‌نظران حوزه علوم رفتاری پرداخته شده است.

روش: این پژوهش به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مطالعه کیفی در مورد ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری سردار حاج قاسم سلیمانی با استناد به کلیپ‌های سازمان صداوسیما کشور و اظهارنظرات مخاطبان و همچنین ۱۱ نفر از صاحب‌نظران حوزه روانشناسی و علوم رفتاری که عضو سازمان نظام روانشناسی کشور هستند (۶ زن و ۵ مرد)، با میانگین سنی ۳۸/۵ و با مدرک تحصیلی دانشجوی دکتری گردآوری شده است.

یافته‌ها: شاخص‌های شناسایی شده در دو محور فردی و اجتماعی به ترتیب اولویت شامل: فردی: خدامحوری تعبد و اخلاص، اخلاقی بودن، شجاعت، روحیه مقاومت، ولایت‌مداری، شهادت‌طلبی، گذشت و ایثار، فروتنی و ساده‌زیستی، شخصیت فوق‌العاده

* کاندیدای دکتری روانشناسی شناختی-شناخت اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی، rafiectari.n@gmail.com

** دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، mahyaabdiyan@gmail.com

تأثیرگذار (کاریزماتیک)، اعتمادبه‌نفس، مثبت‌اندیشی، چابکی، هوش هیجانی بالا، سازماندهی رفتاری مناسب. اجتماعی: فرامرزی بودن و روحیه همدلی داشتن، مردمی بودن و فارغ از هر جناح سیاسی بودن، شوخ‌طبعی، قابل قبول و قابل احترام بودن جمعی، مهارت مذاکره و دستگیری از نیازمندان.

نتیجه‌گیری: شناسایی ابعاد شخصیتی افراد بزرگی مانند شهید حاج قاسم سلیمانی برای جامعه اسلامی ایران جزو موارد مهم و ضروری می‌باشد و باید با حفظ و آموزش چنین ویژگی‌های ارزشمندی به نسل‌های آینده سرزمین عزیزمان ایران کوشا بود. تولید محتوا در این خصوص می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر افراد جامعه باشد.

کلیدواژه‌ها: شهید سلیمانی، نشانه‌شناسی، نمادشناسی.

مقدمه:

نشانه‌شناسی^۱ در واقع دانشی است که هدف خود را شناختن و بررسی نشانه‌ها و نمادها چه آن‌هایی که به صورت گفتاری یا نوشتاری در آمده‌اند و چه آن‌هایی که غیرزبانی^۲ هستند، مانند: نشانه‌های فیزیولوژیک، نظام‌های معنایی، نظام‌های ارزشی، نمادها، جهان‌بینی و دیدگاه‌های گوناگون و حتی تمامی شکل‌های حرکتی، حالت‌ها، موقعیت‌های خودآگاه یا ناخودآگاه، استراتژیک، فکر شده یا نشده و غیره می‌داند.

نشانه‌شناس معروف و برجسته اومبرتو اکو^۳ در یک مقاله با این عنوان «به‌سوی کاوش نشانه‌شناختی در پیام تلویزیونی» می‌نویسد: «رمزگشایی انحرافی در رسانه‌های جمعی یک اصل و محور است»؛ زیرا مردم از رمزهای مختلفی برای درک پیام‌ها استفاده می‌کنند و به همین دلیل برداشت و تفسیرهای مختلفی از آن ایجاد می‌شود (برگر^۴، ۱۳۸۷). اکو بیان می‌کند که این وضعیت قبل از پیدایش رسانه‌های جمعی بوده است، یعنی زمانی که رمزگشایی

1. Semiotics.
2. Nonverbal.
3. Eco.
4. Burger.

انحرافی استثناء بود نه یک اصل. با پدیدار شدن رسانه‌های جمعی، شرایط کاملاً تغییر کرد و رمزگشایی انحرافی تبدیل به یک اصل شد. دلیل این اتفاق، فاصله و شکاف عمیقی بود که میان تهیه‌کنندگان و نویسندگان مطالب و بینندگان وجود داشت. او در یک تعریف جامع نشانه‌شناسی را دانش بررسی و مطالعه نظام‌های نشانه‌ای را در نظر می‌گیرد. او با توجه به این‌که همه نشانه‌های فرهنگی به‌نوعی نظام نشانه‌ای هستند نشانه‌شناسی را حیطة‌ای می‌داند که با تمام فرهنگ انسانی در ارتباط است (برگر، ۱۳۸۷).

متفکران بسیاری در جنبش نماد و نشانه‌شناسی سال‌های اخیر مشارکت داشته‌اند از جمله چارلز موریس^۱، کارل بولر^۲، کلودلوی اشتروس^۳ در مردم‌شناسی^۴، گرماس^۵ در نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی عمومی و یوری لوتمن^۶ در ادبیات و نشانه‌شناسی فرهنگ. کار این افراد و باقی اندیشمندان نشانه‌شناسی را ارتقاء و رشد بخشیده است به‌طوری‌که اهمیت فراوانی پیدا کرده است.

اما در ادامه اگرچه در مورد فرماندهی و رهبری^۷ ادبیات گسترده‌ای وجود دارد، بیشتر آن ماهیتی نظری یا حکایتی دارد. علاوه‌براین، در گزارش ویژه شورای تحقیقات ملی، «ادبیات رهبری و فرماندهی پُر از نظریه‌های مبهم و یافته‌های تحقیقی متناقض است» (دراکمن، سینگر و ون کوت^۸، ۱۹۹۷. به نقل از ولگاست و فلیمنگ^۹ ۲۰۱۲) بیشترین تحقیقات در این زمینه بر مهارت‌های حل مسأله و توانایی‌های شناختی متمرکز بوده است. فرماندهی و رهبری یک ویژگی ثابت شخصیتی نیست، بلکه تابعی از اهداف و ارزش‌های یک گروه و سازمان و فنون موجود برای رسیدن به یک هدف است (سیسیل گیب^{۱۰}، ۱۹۴۷)، اما

1. Maurice.
2. Bullr.
3. Eshtrus.
4. Anthropology.
5. Germas.
6. Lutman.
7. Command and leadership.
8. Drakeman, Singer, and Van Coat.
9. Wolgast, S. L., & Fleming, C.
10. Cecil Gabe.

شخصیت^۱ و ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌تواند موفقیت در حوزه نظامی و فرماندهی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. شخصیت را در واقع می‌توان الگوهای معین و مشخص از تفکر، هیجان و رفتار تعریف کرد که سبک شخصی فرد را در تعامل با محیط اجتماعی و مادی اش رقم می‌زنند. در واقع شخصیت شامل ویژگی‌های نسبتاً پایدار و ثابت است. (اتکینسون و هیلگارد^۲ به نقل از نولن هکسما و همکاران^۳، ۲۰۱۴)

فرماندهان با انگیزه امیدوارند که به فراتر از انتظارات برسند این از اشتیاق، غرور و تمایل آن‌ها برای بهتر شدن و انگیزه انجام کارها، بهتر از بقیه ناشی می‌شود. برای موفقیت به عنوان یک فرمانده، باید انگیزه قوی داشت و فرد باید باور داشته باشد هیچ کس دیگر نمی‌تواند کاری که او را انجام دهد و به نتیجه برساند و همیشه خودش باید پیش قدم برای انجام امور باشد. فرمانده خوب خود و افراد اطراف خود را در سطح بالایی، چه از نظر شخصی و چه حرفه‌ای نگه می‌دارد. یک فرمانده خوب می‌فهمد که برای دستیابی به استانداردهای بالاتر، باید ارزش‌های محکمی داشته باشد، خود را در مقابل گفتار و کردار خود مسئول بداند و هرگز بهانه نگیرد. اعتماد به نفس^۴ یکی از ویژگی‌های فرماندهان موفق و محبوب است. اعتماد به نفس مربوط به درک درونی شما از توانایی شما در انجام یک نقش خاص است و از طریق تجربیات و تعاملات در طول زندگی ایجاد می‌شود. برای ایجاد اعتماد به نفس باید در معرض تجارب جدید بود و مایل بود گاهی حتی شکست را پذیرفت در غیر این صورت هرگز رشد اتفاق نمی‌افتد و قدرت لازم برای کاهش محدودیت‌ها حاصل نمی‌شود. خوش بینی، مثبت‌نگری^۵ و شجاعت^۶ از دیگر ویژگی‌های یک فرمانده قدرتمند است. در جایی که دیگران فکر می‌کنند یک پروژه یا کار بسیار دشوار است، فرماندهان و رهبران، با انرژی و مثبت‌اندیشی با این چالش‌ها روبه‌رو می‌شوند و این نکته بسیار اساسی است، چه از بُعد شخصی و چه تأثیر بر تیم تحت سرپرستی

1. Personality.
2. Atkinson and Hilgard.
3. Nolen-Heksema.
4. Self Confidence.
5. Positiveness.
6. bravery.

آن فرمانده. پاسخگو بودن یک فرمانده به خصوص در شرایط حساس از دیگر ویژگی‌های یک فرمانده موفق است. پاسخگو بودن به این معنی است که مسئولیت نتایج مورد انتظار از خود، چه خوب و چه بد را بپذیرد. فرماندهان بزرگ ابتکار عمل را در دست گرفته و نتیجه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یک فرمانده می‌تواند بدون حواس‌پرتی، توجه خود را به مسئله موجود معطوف کند. داشتن ارزش‌های اخلاقی قوی از ویژگی‌های مهم دیگر است؛ زیرا به دیگران این امکان را می‌دهد تا به وضوح با فرمانده همزاد پنداری نمایند. داشتن صداقت در تمام تعاملات، پیروان را از اهداف یک فرمانده مطمئن می‌کند. قابل احترام بودن تحسین و وفاداری عمیق از سمت پیروان یک فرمانده از کلیدهای مهم برای موفقیت اوست. بریباک^۱ (۱۹۹۸) رابطه مهمی بین هوش هیجانی^۲ و موفقیت در فرماندهی را هم شناسایی کرد. رهبران بزرگ بسیار مراقب محیط پیرامون خود هستند. آن‌ها می‌دانند که چگونه از طریق ارتباط کلامی و غیرکلامی فعالانه فراتر از موارد واضح گوش دهند. آن‌ها دیگران را از طریق زبان بدن، حالات چهره و سر تکان دادن تأیید می‌کنند. همدلی^۳ و بُعد اجتماعی قوی در فرماندهانی که موفقیت‌های چشمگیر داشته‌اند شاخص پُررنگی محسوب می‌شود. این نوع رهبران دارای درجه عظیمی از حضور اجرایی هستند و با پویایی که در هر زمان در حال وقوع است هماهنگ هستند. کارآیی یک عملیات به فرماندهی واقعی بستگی دارد. عضویت در گروه، داشتن مهارت‌های خاص و داشتن اعتبار به یک فرمانده منتخب جنگ کمک می‌کند. بهترین افسران و فرماندهان در اکثر کشورهای دنیا، با توجه به موفقیت در مدارس آموزشی، دارا بودن سابقه برتر، اعتماد به نفس بالا داشتن و جامعه‌پذیری بالا انتخاب می‌شوند. در کشور استرالیا با توجه به تست شخصیت نئو افرادی که دارای گشودگی بالا به تجربه و برون‌گرایی بیشتر هستند برای فرماندهی، بیشتر شانس خواهند داشت. در نهایت این فرضیه مطرح شد که اثربخشی فرماندهی و رهبری با ویژگی‌های شخصیتی بالا، وظیفه‌شناسی^۴، صراحت و

1. Brebac.
2. Emotional Intelligence.
3. Empathy.
4. Conscientiousness.

برون‌گرایی^۱ و روان رنجوری پایین پیش‌بینی می‌شود (لوک مک کورماک و دیوید ملور^۲، ۲۰۰۲). بعد شخصیتی دیگر که بررسی شده است و نتایج امیدوارکننده دیگری برای پیش‌بینی عملکرد فرمانده و رهبر را به دست داده است سرسختی و استقامت است (مادی^۳، ۱۹۶۷ به نقل از بارتون^۴، ۱۹۹۹).

همان‌طور که در ابتدا گفته شد به‌طور کلی شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند برای پیش‌بینی رفتار انسان‌ها در مراکز نظامی و تعیین آن‌ها به‌عنوان یک فرمانده شاخص به کار گرفته شود و این اهمیت بررسی در این حیطه را مشخص می‌کند. در سال ۲۰۱۸ تحقیقی در یکی از مراکز نظامی در تهران هم صورت گرفت که نتایج آن یافته‌های بالا را تصدیق می‌کند. در نهایت جمله طلایی وجود دارد که بیان می‌کند فرماندهان و رهبران بزرگ می‌دانند که چگونه سر و قلب را متعادل کنند. در مطالعه حاضر به بررسی ابعاد شخصیتی یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان جمهوری اسلامی ایران، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از دیدگاه تعدادی از دانشجویان و قیاس آن ویژگی‌ها با موارد عنوان شده برای فرماندهان و رهبران موفق پرداخته شده است.

روش پژوهش

| نوع عمده | راهبردها | واحد نمونه‌گیری | حجم نمونه | ملاحظه‌های اخلاقی |
|------------------|--|---|-----------|--|
| نمونه‌گیری موارد | از طریق شبکه اجتماعی و ایجاد گروه با ۷ نفر از دانشجویان دکتری دانشگاه شهید بهشتی و ۴ | - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه رودهن | ۱۱ نفر | با توجه به آگاهانه بودن و تمایل خود افراد به شرکت در پژوهش، ضرورتی |

1. Extraversion.
2. Luke McCormack, David Mallor.
3. Maddi.
4. Bartone, P. T.



| | | |
|---|------------------------|--|
| نفر از دانشجویان همان مقطع در دانشگاه رودهن که تمایل به شرکت در این پژوهش را داشتند مصاحبه انجام دادیم. | - دانشجویان مقطع دکتری | به دانستن اطلاعات شخصی نبوده و نام افراد در پژوهش برده نشده است. |
|---|------------------------|--|

این پژوهش به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته و مطالعه کیفی در مورد ویژگی های شخصیتی و رفتاری سردار حاج قاسم سلیمانی با استناد به کلیپ های سازمان صدا و سیما ی کشور و اظهار نظرات مخاطبان و همچنین ۱۱ نفر از صاحب نظران حوزه روانشناسی و علوم رفتاری که عضو سازمان نظام روانشناسی کشور هستند (۶ زن و ۵ مرد)، با میانگین سنی ۳۸/۵ و با مدرک تحصیلی دانشجوی دکتری گردآوری شده است.

یافته ها

نظر افراد شرکت کننده در پژوهش

- با توجه به کلیپ هایی که از صدا و سیما پخش شدند و صحبت های ایشان که دیدم ویژگی های اخلاقی ای که من متوجه شدم به خصوص با توجه به کلیپ های مربوط به بازدیدشون از مناطق محروم و این که در شرایط سخت مثل سیل همیشه در صحنه حاضر بودند من مردم دوستی، خودشون را خادم واقعی مردم دانستن، گذشت و انسان دوستی را دیدم. باهوش بودن، استعداد فوق العاده در طراحی های استراتژی های جنگ، ولایت مداری، شهادت طلبی و اخلاقی بودن و همین طور ساده زیستی هم یا توجه به نشانه هایی که من از ایشان و رفتارشون دیدم جزو ویژگی های مهم شان بود. برای همین، روز شهادت ایشان همه اقشار جامعه حضور داشتن و یک وحدتی بین همه ایجاد شده بود (گوینده: ز.ط).
- اگر از من سؤال پرسند ویژگی بارز حاج قاسم چیست می گویم اخلاص عجیب وی در همه زمینه های فردی و اجتماعی و ولایت پذیری. رابطه عمیق و صمیمی

ایشان با رهبر انقلاب را بارها با توجه به کلیپ‌های پخش شده از صداوسیما دیدم و اطاعت بدون چون و چرایی که از رهبری داشتند از ویژگی‌های بارزشان بود. این‌ها باعث شده که خدا عزیزشان کند (گوینده: م.م).

- شجاعت، مثبت‌اندیشی، هوش هیجانی بالا، همدلی، عدم علاقه به پست و مقام‌های کلیشه‌ای (حتی در کلیبی که برای کمک به سیل‌زده‌ها رفته بودند می‌گفتند چرا فیلم می‌گیرید و برایشان فقط کمک‌کردن مهم بود)، اخلاص، خدامحوری و مردمی بودن هم از ویژگی‌های بارزشان بوده است به نظرم (گوینده: ط.م).

- با توجه به اسناد صحبت‌های ایشان که خیلی‌ها تازه بعد از شهادت ایشان از رسانه‌ها پخش شد، ایشان را شخصیتی دیدم که فردی پیرو مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بودند و متوسل به این خاندان. فردی شجاع و مدبر در حفظ مرزهای کشور و اهداف انقلاب و من شهادت‌طلبی ایشان را به‌ویژه در کلیبی که سخنرانی برای خانواده شهدا داشتند و آن اشکی که هر وقت از شهادت و عملیات‌های جنگی صحبت می‌کردند در چشم‌شان حلقه می‌زد کاملاً لمس می‌کردم. (گوینده: ز.س)

- از نظر من حاج قاسم سلیمانی ویژگی‌های بسیار شایسته‌ای داشتند و مهم‌ترین این ویژگی‌ها شجاعت، انسان دوستی، اخلاقی بودن، ولایت‌مداری و اعتمادبه‌نفس ایشان بود. در فیلم‌هایی که از ایشان دیدم با شجاعت تمام در برابر دشمن می‌ایستادند و حتی جمله‌ای در یک فیلم از ایشان دیدم که خیلی برایم جالب بود. می‌گفتند یک فرمانده هیچ وقت نمی‌گه برید جلو می‌گه بیاید جلو و این باز نشانه شجاعت، هدایت و رهبری عالی ایشان بود. (گوینده: م.ع)

- با توجه به فیلم‌ها و مطالبی که در مورد این سردار بزرگ از منابع مختلف بررسی کردم ایشان قدرت معنوی بسیار بالایی داشتند و مثبت‌نگری و همدلی ایشان زبان‌زد بوده است. ایشان پیرو اخلاقیات بودند و هرگز بر موفقیت فردی تأکید

نداشتند. محبت و انسان دوستی ایشان را من در آن کلیپی که سر نماز هستند و کودکی گل به ایشان می دهد و ایشان می گیرند به وضوح دیدم و این که با توجه به کلیپ ها و صحبت هایی که از ایشان دیدم و شنیدم برای فرزندان شهدا مثل پدر بودند و این صحنه را بارها نمونه هایی از آن را از تلویزیون دیدیم (گوینده: ف.پ)

- روحیه تعبد و اخلاص و شجاعت و شهادت طلبی از شاخص های بارز ایشان بود و در مصاحبه ای که با دختر یکی از شهیدان داشتند وقتی دختر شهید، انگشتر ایشان را به عنوان یادگاری خواستند، سردار در ازای دادن انگشتر، از دختر خواستند که دعا کنند ایشان به درجه رفیع شهادت نائل شوند که این امر از روحیه شهادت طلبی و اخلاص سردار حکایت دارد (گوینده: ز.ح).

- دیدم نسبت به ایشان کلی هست. در مورد فروتنی و ساده زیستی، دستگیری از نیازمندان از ایشان کلیپ دیدم. مهارت مذاکره، بخاطر مذاکره ای که با پوتین رئیس جمهور روسیه داشتند، مردمی بودن هم از تشییع جنازه ایشان مشخص بود (گوینده: م.ص)

- گذشت و ایثار، روحیه شهادت طلبی، شجاعت، تعبد، همدلی بالا و هوش اجتماعی از ویژگی های منحصر به فرد ایشان بود در عین قدرتمند بودن می دیدیم که چطور هر وقت در کلیپ ها در مورد شهادت صحبت می کردند اشک می ریختند و این هم نشانه مهمی برای شهادت طلبی ایشان هست (گوینده: ه.ب).

- یکی از دانشجویان (م. ط) در وصف ایشان اینچنین عنوان کردند: دشمن بزرگ برای آدم بزرگ است و آدم بزرگ زاییده تفکر بزرگ که نشان از هدف بزرگ و هدف بزرگ برای انسان های بزرگ و انسان های بزرگ درگیر با دشمنان بزرگ، واقعاً نمی توانم چیزی بگویم و فکر می کنم مرتبه ایشان در حدی است که زبان من از بیان آن قاصر است.

- حاج قاسم یک فرد نبود او به تنهایی معرف یک مکتب بود، مکتب امام حسین با تمام خوبی‌هایش، وقتی به یاد آن جمله معروفش می‌افتم اشک در چشمانم حلقه می‌زند. ما ملت امام حسینیم. چقدر سردار تو بزرگ بودی در حدی که روح بزرگ نمی‌توانست در قالب جسمت آرام گیرد. روزهای بعد از تو جهان هم احساس سختی می‌کند و نفس کشیدن برای مان سخت شده است، حتی از دیدار عزیزانمان محروم شدیم. وقتی فقط نامت جاری می‌شد، شهرهای تحت نفوذ داعش آزاد می‌شد. دشمن از نامت می‌ترسید و ناجوانمردانه تو را شهید کردند و پیکرت همچون اربابت در راه خدا پاره‌پاره شد ولی مطمئن باش انتقامت را خواهیم گرفت. تو در اوج بودی، چقدر دلنشین بود لحظه سجدهات در کنار گل رز تقدیمی از فرزند شاهد، تو دستگیر همه بودی، سیل در سیستان را مگر می‌شود فراموش کرد؟ چگونه خود را برای خدمت می‌رساندی. مگر می‌توان آرزوی وصلت را در رسیدن به همسنگرانت فراموش کرد. وقتی روی خاکریز در برابر دشمن قدم می‌زدی، چقدر صلابت و شجاعت داشتی. چگونه می‌توان تشیع پیکرت را فراموش کرد؟؟ تمام خوبی‌ها را یکجا داشتی (گوینده: ن.ر).

مروری بر وصیت‌نامه سردار حاج قاسم سلیمانی و تأکیدات ایشان

خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت توست. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی.

خداوند! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است

نجات پیدا کنم. من با این پاهای در حرمت پا گذارده‌ام و دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیاءت در بین الحرمین حسین و عباست آن‌ها را برهنه دواندم و این پاهای در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی.

خداوندا! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند.

خداوندا، ای عزیز! من سال‌هاست از کاروانی به جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود میدانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آن‌ها، نام آن‌ها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند. عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران. عزیزم! من از بی‌قراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به حرمت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوست دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن. خدایا! وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمت‌شان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند، متصل کن.. معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچنان که شایسته تو باشم.

خطاب به برادران و خواهران مجاهدم...

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند

عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید!، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ.

برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیاء کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

خطاب به برادران و خواهران ایرانی...

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پُرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما این‌که شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیزِ جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من!

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که

دشمن چه نگاهی به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آن‌ها و فشار آن‌ها، شما را دچار تفرقه نکند. دانید که می‌دانید، مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام، چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا، چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید. شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه این‌ها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آن‌ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان تان را با نام آن‌ها و تصاویر آن‌ها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان‌گونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید، آن‌ها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید. نیروهای مسلح خود را که امروز ولی فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهب‌تان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه خود، از ملت و نوامیس و ارض آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت همان‌گونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود، نیروهای مسلح می‌بایست منشأ عزت ملت باشد و قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم باشد و زینت کشورش باشد.

خطاب به مردم عزیز کرمان...

نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست داشتندی اند و در

طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار

والا مقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمنده آن‌ها هستم. هشت سال بخاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی، چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، بنیان‌گذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملتمان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آن‌ها زدود.

عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن‌ها بودم؛ ضمن این‌که من پاره تن آن‌ها بودم و آن‌ها پاره وجود من. اما آن‌ها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم. دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم. می‌دانید در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شماست که مرا از خود می‌دانید، برادر خود و فرزند خود می‌دانید. وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آن‌جا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدّسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

خطاب به خانواده شهدا...

فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهدا، پدران و مادران باقی‌مانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدین شهدا در این عالم، صوتی که روزانه من می‌شنیدم و مانوس با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آرامش می‌داد و بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی خود می‌دانستم، صدای فرزندان شهدا بود که بعضاً روزانه با آن

مأنوس بودم؛ صدای پدر و مادر شهدا بود که وجود مادر و پدرم را در وجودشان احساس می‌کردم. عزیزانم! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوهرگر کنید، به طوری که هر کس شما را می‌بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خود شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت. خواهش می‌کنم مرا حلال کنید و عفو نمایید. من نتوانستم حق لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان اداء کنم، هم استغفار می‌کنم و هم طلب عفو دارم. دوست دارم جنازه‌ام را فرزندان شهدا بر دوش گیرند، شاید به برکت اصابت دستان پاک آن‌ها بر جسمم، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

خطاب به سیاسیون کشور...

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آن‌هایی [که] اصلاح طلب خود را می‌نامند و چه آن‌هایی که اصول‌گرا. آنچه پیوسته در رنج بودم این‌که عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

۱. اول آن‌ها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این‌که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تئوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است،

اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

۲. اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و

ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

۳. به‌کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمت‌گزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به

میز یک دهستان هم برسند خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند.

۴. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.

۵. در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان

را عبادت بدانند و خود خدمت‌گزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشد، نه با توجهات

واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از

جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و بخاطر احساسات و جلب برخی از آرا احساسی

زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را

از هم پاشانند. حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم

پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن‌وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و

جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح

صورت می‌گیرد.

خطاب به برادران سپاهی و ارتشی...

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشی‌های سپاهی دارم: ملاک

مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی

است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جز نیست، بلکه اساس بقای

نیروهای مسلح است. این شرط خلل‌ناپذیر می‌باشد.

نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع

و عمل به موقع؛ هریک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

خطاب به علماء و مراجع معظم

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علماء عظیم الشان و مراجع گران‌قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقلید. سربازتان از یک برج دیده‌بانی، دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علماء مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی علیه السلام هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیان‌تان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل برگشت خواهد بود.

دست مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرفیابی‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد.

سربازتان و دست‌بوستان

نتیجه‌گیری

محورهای اصلی ابعاد شخصیتی:

نتایج حاصل از مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد که علاقه‌مندی افراد به شناخت ابعاد وجودی و شخصیتی حاج قاسم سلیمانی همچنان می‌تواند موضوعی جهت بررسی، پیاده‌سازی در ساختار مدیریتی و انتخاب فرمانده‌های ارشد مناسب باشد و همچنین نتایج نشان داده است افراد مورد مصاحبه به ویژگی‌های دسته‌بندی شده‌ای که در ادامه آمده است اشاره زیادی کرده‌اند.

بررسی ابعاد و توصیه‌های موجود در وصیت‌نامه سردار هم‌نشان‌دهنده خداترس بودن، پابندی به ارزش‌ها، شهادت‌طلبی، ولایت‌مداری، خضوع و فروتنی و دلسوز بودن این فرمانده شجاع است که همخوان با توصیفات مصاحبه‌کنندگان می‌باشد.

شاخص‌های شناسایی شده در دو محور فردی و اجتماعی به ترتیب اولویت شامل: فردی: خدامحوری تعبد و اخلاص، اخلاقی‌بودن، شجاعت، روحیه مقاومت، ولایت‌مداری، شهادت‌طلبی، گذشت و ایثار، فروتنی و ساده‌زیستی، شخصیت فوق‌العاده تأثیرگذار (کاریزماتیک)، اعتمادبه‌نفس، مثبت‌اندیشی، چابکی، هوش هیجانی بالا، سازماندهی رفتاری مناسب. اجتماعی: فرامرزى بودن و روحیه همدلی داشتن، مردمی‌بودن و فارغ از هر جناح سیاسی بودن، شوخ‌طبعی، قابل قبول و قابل احترام بودن جمعی، مهارت مذاکره و دستگیری از نیازمندان.

شخصیت ایشان از منظر صاحب‌نظران در حوزه روانشناسی در مقایسه با ویژگی‌های جهانی افراد قدرتمند با ابعاد شخصیتی از نظر روانشناسی مثبت‌نگر که این ۲۴ ویژگی را در نظر گرفته، تأمل برانگیز است. این صفات و ویژگی‌ها شامل: خلاقیت^۱، کنجکاوی^۲، ذهن باز^۳، علاقه و عشق به یادگیری^۴، خرد و عقل^۵، شجاعت^۶، اصرار و تداوم به انجام

1. Creative.
2. Curiosity.
3. Open-minded.
4. Love to learn.
5. Wisdom.
6. Courage.

کار^۱، تمامیت^۲، نشاط^۳، عشق^۴، مهربانی^۵، هوش اجتماعی^۶، شهروندی^۷، انصاف و عدالت^۸، رهبری^۹، بخشش^{۱۰}، فروتنی^{۱۱}، تدبیر^{۱۲}، خودتنظیم^{۱۳}، قدردانی از زیبایی و برتری^{۱۴}، حق شناسی و تشکر و سپاسگزاری^{۱۵}، امیدواری^{۱۶}، شوخطبعی^{۱۷}، معنویت و روحانی بودن^{۱۸}

این موارد توسط توهینگ و فورنیتو و گلر^{۱۹} در سال ۲۰۱۶ مطرح شد که با گذر اجمالی در وصیت نامه هم می توان به ابعاد وجودی ایشان نظیر معنویت داشتن، شجاعت، مهربانی، انصاف، بخشش، فروتنی تدبیر و ذهن باز پی برد. موارد فوق از جمله نشانه شناسی های مطرح دنیا محسوب می شود که سردار شهید قاسم سلیمانی به لطف پروردگار از آن ها بهره مند بودند. البته لازم به ذکر است که دلیل اصلی علاقه مردم به حاج قاسم سلیمانی، اراده خداوند بود. گاهی خدای متعال اراده می کند که شخصی را محبوب قلب های مردم کند. خداوند فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا؛ قطعاً کسانی که (در این سطح) ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، خداوند رحمان برای آنان در دل ها، محبت و دوستی قرار خواهد داد».

1. Persistence.
2. Integrity.
3. Viaticity.
4. Love.
5. Kindness.
6. Social intelligences.
7. Citizenship.
8. Fairness.
9. Leadership.
10. Forgiveness.
11. Humility.
12. Prudence.
13. Self-regulation.
14. Appreciation of beauty and excellence.
15. Gratitude.
16. Hopefully.
17. Humor.
18. Spirituality.
19. Twohig, K., Fornito, M., & Geller, E. S.

نتیجه‌گیری

شناسایی ابعاد شخصیتی افراد بزرگی مانند شهید حاج قاسم سلیمانی برای جامعه اسلامی ایران جزو موارد مهم و ضروری می‌باشد و باید با حفظ و آموزش چنین ویژگی‌های ارزشمندی به نسل‌های آینده سرزمین عزیزمان ایران کوشا بود. تولید محتوا در این خصوص می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر افراد جامعه باشد.

پیشنهادات

با شناسایی افراد فرهیخته و دلسوز در جامعه و طراحی پرسشنامه‌ها و ابزار شخصیتی جهت استخدام افراد در پست‌های مدیریتی و اجرایی به نظر می‌رسد، قانون به‌گونه‌ای تنظیم شود تا میزان صداقت و تدبیر و صفات شخصیتی افراد سنجیده شود، تا فرصت از افراد نالایق سلب گردد.

منابع:

1. برگر، آرتور ایسا (۱۳۸۷). روش‌های تحلیل رسانه‌ها. ترجمه پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
2. سلیمانی، قاسم. وصیتنامه شهید قاسم سلیمانی. دسترسی در وبسایت:
3. <https://www.roshd.ir/omoumi/Content/%D9%88%D8%B5%DB%8C%D8%AA-%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%B4%D9%87%DB%8C%D8%AF-%D8%B3%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C>
4. Bartone, P. T. (1999). Hardiness protects against war-related stress in Army Reserve forces. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 51(2), 72-82
5. Bass, B. M., & Stogdill, R. M. (1990). *Bass & Stogdill's handbook of leadership: Theory, research, and managerial applications*. Simon and Schuster.
6. Druckman, D., Singer, J. E., & Van Cott, H. (Eds.). (1997). *Enhancing organizational performance*. Washington, DC: National Academy Press.
7. McCormack, L., & Mellor, D. (2002). The role of personality in leadership: An

application of the five-factor model in the Australian military. *Military psychology*, 14(3), 179-197.

8. Nolen-Hoeksema, S., Fredrickson, B., Loftus, G. R., & Lutz, C. (2014). *Introduction to psychology*. Cengage Learning
9. Twohig, K., Fornito, M., & Geller, E. S. (2016). The Intersection of Positive Psychology and AC4P. *Applied Psychology*, 228.